

# مأموریت ادبی در یمن:

نوشته: ورنر بلوخ

و فارس یواکیم

ترجمه فراز فرهودی فر

## «در آغاز، گفتگو بود»

گونتر گراس، نویسنده نام‌آور آلمانی در ماه دسامبر سال ۲۰۰۲ پیرو دعوت دکتر عبدالعزیز المکاله، سرپرست مرکز تحقیقات یمن، دوازده روز در این کشور میهمان بود و در راستای گفتگوی فرهنگ‌ها طی چندین نشست با شاعران و نویسندگان یمن و دیگر کشورهای عربی به بحث و گفتگو پرداخت. او نام «در آغاز، گفتگو بود» را برای این گردهمایی برگزید. یمنی‌ها نیز که در میهمان‌نوازی بسیار چیره دست هستند همه شرایط لازم را برای هر چه بهتر انجام شدن این سمینار فرهنگی فراهم آوردند. گراس نمی‌خواست که تنها خود سخن بگوید و خود را نیز آن گونه که باید آماده سخنرانی نکرده بود بلکه می‌خواست تنها یک شنونده باشد و دیدگاه‌های خود را پیرامون آنچه می‌شنود، بیان کند. او به یمن رفت تا پرده از تاریخ پر فراز و نشیب و واقعیت‌های سیاسی و اجتماعی آن بردارد. گراس در این سفر لحظه‌های به یادماندنی و خوبی را سپری کرد. این نویسنده خوشنام آلمانی به همراه یک هیئت از نویسندگان آلمانی و عرب از شهرهایی چون صنعا، عدن، تعز، خضر موت و نیز ما نوخه دیدن کرد. وی که سخت شیفته یمن شده می‌گوید: «یمن آمیزه‌ای است از چشم‌اندازهای زیبا، بیابان‌های خشک و نیز درّه‌های هراس‌انگیز که در جای جای آن بقایای فرهنگی دیرینه به چشم می‌خورد و نیز مردمی که صداقت در چهره‌هایشان موج می‌زند. این‌ها همه و همه این تصور نادرست را که آنان مردمی ستیزه‌جو و بی‌فرهنگ هستند، نفی می‌کند.

گراس در حالی که سخت تحت تأثیر بناهای تاریخی هزار ساله یمن و مفتون خانه‌های کاهگلی آن شده بود، پیشنهاد برپایی یک هنرستان فنی حرفه‌ای برای آموزش بازسازی بناهای باستانی را مطرح کرد و خود نیز بی‌درنگ مبلغ ده هزار (۱۰۰۰۰) یورو به عنوان کمک مالی برای این کار هدیه کرد. رئیس جمهور یمن (علی عبدالله صالح) نیز از این پیشنهاد سازنده به گرمی استقبال کرد و قول پشتیبانی بی‌چون و چرا از این پروژه را داد.

## خدا و گونتر گراس

دیدار گراس از کشور یمن نه برای او و نه برای یمنی‌ها دیداری معمولی نبود چراکه گراس در جستجوی کشوری معمولی و پیش پا افتاده نبود. این کشور عربی یکی از ده (۱۰) کشور فقیر جهان است. او می‌کوشد تا با نام خویش اعتباری برای یمن به دست آورد. به راستی که این کار آسانی نیست زیرا یمن مرکز اجرایی شبکه تروریستی «القاعده» به حساب می‌آید. گراس هیچگاه اینچنین پرشور و حرارت نبوده است و در پایتخت یمن (صنعا) به رقص و پایکوبی می‌پردازد. وی در یمن همچون یک میهمان بسیار مهم دولتی مورد توجه چشمگیر همگان قرار می‌گیرد و با احترام فراوان از او استقبال می‌شود به گونه‌ای که حتی سرودی از طریق بلندگوی یکی از مساجد برای خوشامدگویی به او به گوش می‌رسد.

۷۸

## ● کوشش برای ایجاد آزادی بیان

البته یک مسئله کوچک نیز در این میان پیش آمد: میزبان گراس - رئیس جمهور یمن - بر آن است که بالاترین نشان فرهنگی - هنری کشور یمن را به او تقدیم کند که گراس یکی از مواد قانون اساسی این کشور را زیر پا می‌گذارد بدین شکل که سخنان رئیس جمهور را قطع می‌کند تا پیرامون آزادی بیان نویسندگان سخن بگوید. یک نویسنده یمنی به نام واگوی الاهدل در پاییز سال ۲۰۰۲ به سبب هراس از تهدیدهای حزب محافظه کار از یمن می‌گریزد. گراس نزد رئیس جمهور به پشتیبانی از این نویسنده پرداخت و از او خواهان مدارا با این نویسنده گریخته از میهن و ایجاد آزادی بیان در این کشور شد. او گفت: «جناب آقای رئیس جمهور! می‌دانم که حکم دادگاه بر ضد این نویسنده و کتابش است اما در این مورد نمی‌توان به رأی دادگاه تکیه کرد چرا که ادبیات همیشه زنده بوده و خواهد بود». گفتنی است که کوشش گراس بازگشت الاهدل به وطن خویش را در پی داشت. سفر گراس را شاید بتوان دست کم به سبب این نتیجه خوشایند، موفقیت‌آمیز ارزیابی کرد. او اگر چه با این گفته خویش رئیس جمهور را اندکی رنجاند، اما بی‌روایی گستاخانه‌اش وجهه خوبی برایش به ارمغان آورد. او به عنوان میهمان می‌تواند آنچه را

که هنرمندان یمنی شهادت بیانش را ندارند، بر زبان بیاورد. گراس که خود نیز در زمینه سیاست فعال بوده از تجربه‌هایش می‌گوید: «من نیز همین عدم آزادی بیان را سالها پیش در کشورهای بلوک شرق تجربه کردم. هنگامی که به این کشورها دعوت می‌شدم آنچه را که مردم آن کشورها جرأت بیانش را نداشتند، بیان می‌کردم، اما پس از آن همه آن مسائل توسط همان مردم گفته می‌شد.»

### ● تابوها (موارد ممنوع) در گفتگو: دوستی اعراب با اسرائیلی‌ها

بسیاری از نویسندگان عرب هدف سفر هیئت اعزامی از آلمان را تنها آموزش، راهنمایی و دادن پندهای همیشگی می‌دانستند. گراس سه روز تمام با نویسندگان عرب به گفتگو نشست که در میان آن‌ها اسلام‌شناسان پرآوازه‌ای نیز به چشم می‌خوردند. برخی از اعراب حاضر در این گردهمایی از آن شگفت‌زده بودند که گراس چگونه می‌تواند خود را هم دوست اعراب بداند و هم اسرائیلی‌ها. این گفته گراس سخت خشم آنان را برانگیخته بود. ضد صهیونیست بودن از آیین‌های ناگستنی سخنوری و ادبیات عرب است حتی از سوی سخنوران روشنفکر. از این رو او چاره‌ای نداشت جز این که به یادآوری گوشه‌هایی از تاریخ آلمان و جنایت‌های نازی‌ها پردازد؛ جنایت‌هایی که به پایه‌ریزی حکومت اسرائیل و نیز حس گناه آلمانی‌ها در برابر یهودیان انجامید.

سپس گراس به این نکته اشاره کرد که دوستی‌اش با اسرائیل و اعراب، او را از انتقاد کردن باز نمی‌دارد بلکه او به هنگام ضرورت، انتقادهای خویش را نیز بیان می‌کند: گراس سیاست کنونی شارون را محکوم کرده و خواستار رسیدن فلسطینی‌ها به حق خویش که همانا برپایی دولتی مستقل است، می‌شود. او روی هم رفته بر این باور است که باید بین فلسطینی‌ها و اسرائیلی‌ها گونه‌ای همزیستی مسالمت‌آمیز برقرار شود چرا که این به سود آن‌هاست.

سپس درباره عراق پرسش‌هایی از او شد که وی در پاسخ گفت: «نه تنها صدام حسین را تحسین نمی‌کنم بلکه سخت خواهان سرنگونی او هستم. سرکوب صدام به دست آمریکا را نیز نادرست می‌دانم چون این وظیفه مردم عراق و دیگر اعراب است که ابتکار عمل را برای برپایی یک سیستم حکومتی عادلانه و مردمی در عراق در دست گیرند». او همچنین از جدایی دین و سیاست و نیز پیرامون تمایلات جنسی سخن گفت. او می‌خواست بی‌پرده درباره مسائل جنسی سخن بگوید که با اعتراض همگان روبرو شد، از این رو چاره‌ای جز تغییر موضوع گفتگو نداشت. البته گفتنی است که این گفتگوها نتیجه بخش بود و

قرار بر این شد که نویسندگان یمنی و آلمانی در آینده‌ای نزدیک در سمینار ادبی برلین باهم به تبادل نظر و رایزنی بپردازند.

### ● خطرهای تعمیم دادن

گراس عبارت «نبرد فرهنگ‌ها» را با این استدلال رد کرد: «این عبارت زائیده اندیشه‌های اصولگرایان دینی غرب و شرق است که از این به اصطلاح «نبرد»، به سود خود سوء استفاده می‌کنند». او تأکید کرد که دیدگاه‌ها و به تناسب آن فرهنگ‌های متفاوتی وجود دارند که به طور متقابل از یکدیگر تأثیر می‌پذیرند و بهره می‌برند. گراس در ادامه خاطر نشان کرد که بخش بزرگی از ادبیات آلمان را ادبیات تبعید تشکیل می‌دهد. وی افزود: «هر فرهنگی که تأثیرات بیرونی دیگر فرهنگ‌ها را پس بزند چندان دوام نمی‌آورد و در اندک زمانی نابود می‌گردد. همانگونه که غربی‌ها در گذشته از فرهنگ اعراب بهره می‌جستند، امروز نیز اعراب نباید خیلی نگران باشند که در برخی موارد تحت تأثیر فرهنگ غرب قرار گیرند.» گراس انسان‌ها را از خطرهای احتمالی تعمیم دادن بر حذر می‌دارد. بسیاری از اعراب همه غربی‌ها را به یک چشم نگاه می‌کنند، در حالی که شاید بتوان سرسختانه‌ترین مخالفت‌ها در برابر سیاست آمریکا را در اروپا و یا حتی در خود آمریکا و از سوی روشنفکران یهودی چون نوام چامسکی به چشم دید.

### ● سایه سنگین سیاست بر ادبیات

گرچه عبدالکریم الایرانی، دبیرکل سمینار و مشاور سیاسی رئیس‌جمهور یمن، در سخنرانی که در مراسم افتتاحیه این گردهمایی ایراد کرد اهمیت گفتگوهای فرهنگی را سخت مورد تأکید قرار داده بود، اما در طول چهار نشست طولانی که برگزار شد بیشتر شرکت‌کنندگان، مسائل سیاسی را بر مسائل ادبی ترجیح دادند. اگر چه گونترگراس خود اهل سیاست و عضو فعال حزب سوسیال دموکرات آلمان (SPD) است، اما پیش از هر چیز یک رمان‌نویس، نمایشنامه‌نویس، شاعر و هنرمند زبردست است که حتی جایزه نوبل ادبیات را نیز دریافت کرده است. جالب این که در این چند نشست هیچ کس پیرامون ادبیات و هنر با او سخن نگفت. به نظر می‌رسید که نمی‌توان طی این گفتگوها سیاست را از ادبیات جدا کرد، زیرا مسئله سانسور و آزادی بیان که به ادبیات مربوط است نیز به خدمت سیاست در آمده است. گراس از بسیاری از نویسندگان یمنی شنیده بود که آنها سخت از واکنش‌های نیروهای محافظه‌کار جامعه می‌هراسند، در حالی که هیچ‌واهمه‌ای از سانسور به خود راه نمی‌دهند. گراس با شنیدن این گفته‌ها به یاد نخستین تجربه‌های ادبی‌اش با نوشتن دو رمان مشهور طبل حلبی و موش و گربه

افتاد. درست همانند آن دوره آلمان که حزب محافظه کار بر ضد او اقداماتی انجام داد و وی را آنارشیبست (هرج و مرج طلب) و مرتد خواند. با این حال گراس هیچگاه از نوشتن دست نکشید، هیچ یک از کتاب‌هایش ممنوع اعلام نشد و هرگز به زندان نیفتاد. وی در ادامه افزود: «بدترین گونه سانسور خودسانسوری است که بسیاری از نویسندگان به آسانی به آن تن در می‌دهند.»

### ● بازگشت به یمن حتمی است

گراس تصمیم گرفت که در آینده باز هم به یمن سفر کند تا در نشستی که پیرامون مسائل کشورهای دوباره اتحاد یافته برگزار می‌شود، حضور یابد چرا که یمن نیز در سال ۱۹۹۰ اتحاد دوباره خود را تجربه کرد. تا پیش از این تاریخ، یمن شامل دو بخش شمالی و جنوبی بود. برخی به گراس می‌گویند که اتحاد آن روز یمن بسیار بهتر از اتحاد دو آلمان محقق شد. اما بی‌تردید در این سفر یک چیز مشخص شد و آن این که یمن، آنگونه که گهگاه از این سو و آن سو به گوش می‌رسد، تنها یک کشور بی‌قانون نیست بلکه بیشتر سرزمینی رؤیایی، با شکوه و سرشار از جاذبه‌های توریستی است. این کشور از فرهنگی کهن برخوردار است که این را می‌توان در سایه بناهای تاریخی آن به روشنی دریافت؛ بناهایی که جزء عجایب هفت گانه عهد عتیق به شمار می‌روند. دولت یمن را نمی‌توان تنها به سبب وجود گروه «القاعده» محکوم کرد. گراس می‌خواهد از هم اکنون برای یمن با صدایی رسا تبلیغ کند تا جهان غرب سرانجام این کشور را مورد توجه قرار دهد.

### ● در پایان نیز تنها گفتگو می‌ماند

اگر چه در این سمینار سیاست از ادبیات اندکی پیشی گرفت اما روی هم رفته این گفتگوها سازنده بود: برخی پیش داوری‌ها بازنگری شد، حق آزادی بیان مورد تأکید قرار گرفت و یک دوستی متقابل ایجاد شد. یمنی‌ها بسیار کوشیدند که در طی این چند نشست، دیدگاه‌های خود را با نهایت صداقت بیان کنند تا گراس نیز خود را در این سرزمین غریبه نداند. در پایان گراس این نوید را داد که به زودی باز به یمن سفر خواهد کرد.

آمیخته‌ای از دو گزارش ورنر بلوخ - ۲۶ سپتامبر ۲۰۰۲

فارس پرواکیم - ۱۸ ژانویه ۲۰۰۳

